



ماجرای ماجرای معتاد پروری است! / پلوخورش در پارک معتادان / حالا معتادان به غذای ساده راضی نمی شوند

دروازه غار هیبتش شبیه هیچ کدام از محلات تهران نیست. بخشی از آن را بلورفروشها تسخیر کرده‌اند، بخش دیگر پارکینگ کامیون‌هاست و بخش دیگرش هم جای خواب کارتن خواب‌ها.

به گزارش ایسکانیوز و به نقل از شرق همه این آش درهم‌وبرهم در کنار مردم معمولی ساکن یک محله، دیده می‌شود. اما انگار مردم بخش کمرنگ خیابان دروازه غار هستند، آنها که بچه‌هایشان را به مدرسه می‌فرستند، آنها که زندگی می‌کنند و دلشان می‌خواهد حوالی یک بعدازظهر خنک پاییزی شامشان را بردارند و در گوشه یکی از پارک‌های محله‌شان بنشینند و با خانواده‌شان اوقات خوشی را سپری کنند. اما این تصویر هیچ‌وقت تصویر آشنایی برای مردم ساکن در خیابان هرندی نیست. آنها می‌گویند مدت‌هاست با واژه امنیت بیگانه‌اند و پارک‌هایشان جولانگاه افراد معتاد است.

شاید همین جولانگاه‌بودن پارک‌ها و محله برای معتادها، کاسه صبر مردم را لبریز کرد و هفته گذشته این کاسه صبر لبریز شده و جان به لب آمده، آتش و خشم را بر سر و صورت معتادهای کارتن‌خواب فرود آورد.

اتفاقات این محله دنباله‌دار است. عده‌ای می‌گویند حالا نهادهای مسئول و ان‌جی‌اوها از آن طرف بوم افتاده‌اند. انگار که دیده باشند اقدامات سلبی جواب نداده، حالا می‌خواهند با محبت آنها را به سمت ترک سوق دهند. اما ماجرا اینجاست که مردم محله هرندی می‌گویند علاوه بر تجمع معتادان در محله‌شان، حالا خیابان‌ها و پیاده‌روها تبدیل به زباله‌دانی ظرف‌های یک‌بارمصرفی شده که سازمان‌ها و مردم برای پخش غذا به هرندی می‌آورند.

لیلا ارشد، مددکار و مدیرعامل خانه خورشید به شرق می‌گوید: کار به جایی رسیده که حالا معتادان اصلا به غذاهای ساده راضی نمی‌شوند. دیگر کسی از ما نان و تخم‌مرغ یا نان و پنیر و سبزی نمی‌گیرد. خانم اتوکشیده می‌آید و به معتاد التماس می‌کند که خواهش می‌کنم این غذا را بخورید و معتاد هم از بین این همه غذایی که به میدان هرندی می‌آید، انتخاب می‌کند که امشب خورش قیمه بخورد یا چلومرغ. بعد هم هیچ‌کدام از این ان‌جی‌اوها به خودش زحمت نمی‌دهد که زباله‌های ناشی از پخش غذایش را از سطح محله جمع کند. آن وقت گلی که داشتیم به سبزه هم آراسته می‌شود.

ماجرای ماجرای معتادپروری است که مردم محله را به ستوه آورده است. این عین جمله‌ای است که یکی از ساکنان دروازه غار می‌گوید. سعید صاحب یکی از بلورفروشی‌های میدان شوش است، او به شرق می‌گوید: کار به جایی رسیده که ما الان باید از معتادها معذرت‌خواهی کنیم. اصلا انگار نه انگار که پدرمان درآمده و خانواده‌ها جرئت ندارند یک لحظه از پارک‌ها و کوچه‌های خلوت عبور کنند. این محله یک محله مسئله‌دار است، خود شما جرئت می‌کنید یک ساعت تمام ماشینتان را در یکی از کوچه‌ها پارک کنید؟ حالا جناب معتاد با ما دعوا می‌کند اگر به او اخم کنیم. یعنی عملاً جایمان با هم عوض شده.

عابد ملکی، شهردار منطقه ۱۲ استان تهران، در گفت‌وگو با شرق، با رد این مسئله که آتش‌زدن چادرهای کارتن‌خواب‌ها در هفته گذشته ربطی به شهرداری تهران داشته است، درباره پخش گسترده خدمات میان معتادان و کارتن‌خواب‌های هرندی می‌گوید: من فکر می‌کنم در نگاه کلان اگر تنها هدف از رفتن میان معتادان، پخش غذا باشد، نگاه معتادپروری کاملاً صحیح است. به طور کلی جمع‌شدن تعداد زیادی معتاد در بافت مسکونی اصلا مناسب نیست. برای همین شهرداری وارد بحث شده است تا بتواند سروسامانی به وضعیت معتادان بدهد.

بحث ما به عنوان مسئولان شهری این است که شهر و محله نباید به حفره‌ای برای تجمع معتادان تبدیل شود. در محله هرنندی جریان زندگی مختل شده است و برای همین شهرداری به فکر طرح‌های جامعی افتاده تا این محله را از این معضل نجات دهد و انضباط شهری را در این منطقه ایجاد کند. اتفاقی هم که در این راستا افتاده این است که بخشی از مردم با همین اقدامات شهرداری بیدار شده و به کمک معتادان شتافته‌اند. اما بحث آنها صرف کمک به معتادان نیست. آنها برای جذب معتادان به سمت ماده ۱۵ و کمک به ترک اعتیاد آنها و صحبت کردن با آنها برای ترک، به بهانه پخش غذا وارد محله می‌شوند.

حبیب بهرامی، مدیرعامل مؤسسه سیمای سبز رهایی است. او درباره کمک‌رسانی و پخش غذا بین معتادان در محلات آسیب‌دیده به شرق می‌گوید: خود ما هم با برخورد احساسی با معتادها مخالفیم. چون دادن غذا در واقع یک‌جور حمایت ناسالم از معتاد است. معتادها چند دسته هستند. تعدادی معتاد داریم که در دوره ایام طلایی هستند و کار درمان روی آنها بسیار سخت بوده و احتیاج زیادی به خدمات کاهش آسیب هم ندارند. آنها از مصرف مواد مخدر لذت می‌برند و تحت هیچ شرایطی هم حاضر نیستند این لذت را از دست بدهند. البته این گروه شامل افراد ساکن در پارک‌های هرنندی نیستند. اینها کسانی هستند که در خانواده‌ها هستند و تازه مصرف را شروع کرده‌اند. اما آن قسمتی که زندگی‌شان آشفته شده، کسانی هستند که در وهله اول نیاز به خدمات کاهش آسیب دارند چون در معرض آسیب‌های جدی مثل اچ‌آی‌وی هستند. موضوع ایدز بسیار مهم است و اگر گریبانگیر آنها شود، دیگر بحث از این ماجراها فراتر می‌رود. بنابراین برای جلوگیری از این نوع آسیب‌ها لازم است خدمات کاهش آسیب به آنها داده شود. خدمات کاهش آسیب شامل توزیع سرنگ و سوزن و کاندوم است. توزیع سرنگ و سوزن اصلی‌ترین برنامه کاهش آسیب است. این شام‌دادن هم بهانه‌ای است که ما سرنگ و سوزن به آنها بدهیم. منتها به همان شام هم احتیاج دارند. البته خیلی خوب است که برنامه‌های داخل مراکز کاهش آسیب آن‌قدر متنوع باشند که داخل مراکز بروند. وی در ادامه می‌افزاید: تهران شلترهای زیادی برای کارتن‌خواب‌ها دارد، اما آنها ترجیح می‌دهند در پارک‌ها بمانند. آمار افرادی که در هرنندی شب‌ها می‌خوابند، دو، سه هزار نفر نیست، شاید در هوای خشک تعداد بیشتری بخوابند، اما در این فصل اینها تعدادشان کم می‌شود و راغب به رفتن به شلتر می‌شوند. اما چرا در فصل تابستان این اتفاق نمی‌افتد؟ دلیلش این است که شرایطی که پارک هرنندی دارد، شرایط مناسبی است که شلتر ندارد. حالا اگر ما این شرایط را در شلتر مهیا کنیم، به شما قول می‌دهم آمار زیادی از آنها به شلتر بروند. برخوردهایی که در شلتر با این افراد می‌شود برخوردهای خوبی نیست. اگر این شلترها مجهز باشند و اینها این امکان را داشته باشند زیر نظر برنامه‌های بهداشتی، مواد مخدر مصرف کنند، هم برنامه کاهش آسیب اتفاق می‌افتد و هم شب‌ها از کوچه و خیابان جمع می‌شوند. مسئله اینجاست که آنها شب‌ها در پارک هرنندی راحت مصرف می‌کنند اما در شلتر تلفنشان را از آنها می‌گیرند و حتی اجازه سیگار کشیدن ندارند. اما سیگار کشیدن و مواد قسمتی از زندگی آنهاست. اگر بخواهیم واقع‌بینانه به قضیه نگاه کنیم، شاید کلی از این آسیب‌ها کم شود. بهرامی با تأکید بر اینکه پخش غذا یک بهانه برای کمک کردن و جلب معتاد به ترک اعتیاد است، تصریح کرد: ما باید بستنیم که افراد تمایل به ترک مواد دارند یا نه. بحث ما شام نیست، برنامه اصلی ما توزیع سرنگ و سوزن است و همین‌طور همراه کردن معتادان با پارک. از حالا هم قرار شده که شام به نحوی پخش شود که خود معتادان هم برای گرفتن این شام اقدام مؤثری را انجام دهند.

مسئله‌ای که وجود دارد این است که هیچ‌کس منکر این نیست که وجود معتادان در محل سکونت مردم باعث ایجاد مشکلات عدیده خواهد شد، اما سؤال این است که برای جمع‌آوری معتادان چه فکری شده؟ قرار است معتادان پس از جمع‌آوری به کجا برده شوند؟ آیا همان‌طور که خودشان می‌گویند از آنها خواسته شده که در پارک‌های کل محلات تهران پخش شوند؟